

جنایت ضد کارگری جمهوری اسلامی

ضد انسانی و محکوم است

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، کارگران مبارز معدن طلای آق طلا در منطقه تکاب در استان آذربایجان غربی را به شلاق بست. این کارگران رنج دیده چه خواستی داشتند که از منظر حکومتی متحجرو عقب گرا مستحق شلاق اسلامی بودند؟ آنان برای حق مسلم خود یعنی ادامه ی اشتغال در معدن که زیر نظر شرکت پویا زرکان به عنوان پیمانکار، کارگران ستم دیده را استثمار و اخراج کرده بود، در تاریخ ششم دی ماه سال گذشته تجمع اعتراضی برپا داشتند. سرمایه داران این شرکت برای استثمار بیشتر کارگران و غارت افزون تر دسترنج این زحمتکشان، آنان را با قراردادهای موقت استخدام میکنند که در نتیجه پس از سپری شدن قرارداد، کارگران محکوم به بیکاری می شوند و در ضمن از همان اندک حقوق کارگری مصروحه در قانون کار نیز محروم اند.

350 کارگر معدن طلای آق دره برای احقاق حقوق خود خواهان ادامه ی کارشند، همان حقی که حتی در به اصطلاح قانون کار نیز به آنها اشاره شده ولیکن همواره تنها بر روی کاغذ مانده است. کارگران معترض مورد هجوم وحشیانه گارد حراست اسلامی قرار گرفته، برخی زخمی و تعدادی دستگیر میشوند. سردمداران رژیم اسلامی که برای حفظ منافع سرمایه داران از اقدام به ضد انسانی ترین جنایت ابا ندارند، سرمایه داری یعنی شرکت پویا زرکان را محق دانسته، ضرب و شتم کارگران توسط اراندلی به نام حراست را اقدامی سزاوار قلمداد کرده و 17 کارگر رنج دیده را محکوم به شلاق، جزای نقدی و ماهها زندان کرده اند. پنج تن از کارگران متهم به اخلاق نظم عمومی، هر کدام به 100 ضربه شلاق و 37 ماه زندان محکوم شده اند، سایر کارگران دستگیر شده نیز به 50 ضربه شلاق و احکام تا 37 ماه زندان محکوم گردیده اند که این احکام ضد انسانی به اجرا درآمده است. ننگ و نفرت بر حکومتی که می پندارد صدور احکام مدینه و مکه در 14 قرن پیش و فرامین قضات امویان و عباسیان درباره فرودستان، هنوز حکم روز است.

سردمداران جمهوری اسلامی، این متولیان قوانین و سنن دوران بربریت پنداشته اند که این کارگران را با ضربات شلاق اسلامی به خاری و شرمساری افکنده اند. زهی تصویری باطل که تنها میتواند از مخیله فرومایگانی عقب گرا تراوش کند. این کارگران ستم دیده ضربات سنگین و درد آور شلاق را تحمل کردند و معنای لطافت و مروت اسلامی داعش گونه را بر بدن خود لمس نمودند، زیرا زبان به دفاع از منافع طبقاتی خود و دیگر کارگران گشوده بودند. هر ضربه ای که بر پیکر این کارگران فرو آمد، ضربه ای بر تمامی پیکره ستمدیدگان و فرودستان جامعه بوده است و مسلماً هر ضربه ی شلاق، خشم و نفرت فزون تری را نسبت به حاکمان اسلامی در پی خواهد داشت. جنایتکاران حکومتی نه تنها نتوانسته اند این کارگران را با توسل به شلاق شرمسار سازند، بلکه خود را رسوا تر ساخته اند و سربلندی نصیب شلاق خوردگان شده است. درود بر این کارگران ستم دیده و رنج کشیده. فستیوال به راه انداختن حکم شلاق به جان کارگران، نشانه زبونی و حقارت کلیت نظام اسلامی در برابر قداست طبقه کارگر و مبارزات خلل ناپذیر گروه های مختلف کارگران ایران در تمامیت سال گذشته و طی سال جدید تا به امروز است.

گردانندگان حکومتی از گسترش و افزایش اعتراضات کارگری به چنان وحشتی افتاده اند که به باطل تصور میکنند با اقدام به ضد انسانی ترین مجازاتهای اسلامی قادر خواهند بود، عزم راسخ کارگران

رنجدیده را با توسل به شیوه‌های مطرود دوران توحش و شترچرانی درهم شکسته و سکوت گورستان را در یکایک بنگاه‌های تولیدی ایران حاکم سازند. هم‌اکنون در سرتاسر ایران، از شمال گرفته تا جنوب و از غرب تا شرق، شاهد این یا آن اعتراض کارگری هستیم و هیچ نیروی ترفندی قادر به خفه کردن این فریادهای اعتراضی نیستند، زیرا کارگری که اخراج می‌شود، کارگری که چندین ماه دستمزد دریافت نکرده است، کارگری که با دستمزدی یک چهارم زیر خط فقر مجبور به گذران زندگی در تنگدستی شدیدی شده است و آن کارگری که شده‌ای که ماه‌ها و شاید سالیانی در جستجوی کار هست و با گرسنگی و بی‌خانمانی می‌سازد و می‌سوزد، چیزی برای از دست دادن ندارد که از تهدیدات سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه و همه داشته‌باشد و دست از اعتراض بردارد. هم‌اکنون کارگران کارخانه آهن و فولاد ارفع در چندمین روز اعتصاب هستند، کارگران شهرداری‌ها در شهرهایی چند چون رشت، اهواز، خرمشهر و.... فریاد اعتراضی را سر داده‌اند، کارگران اخراج شده نفت شمال همچنان تجمع اعتراضی را سازمان می‌دهند، کارگران عسلویه اعتراضات خود را دنبال گرفته‌اند و.... و حتی در تاریخ بیستم اردیبهشت در کارخانه چوکا دوتن از مسئولان بهنگام تجمع اعتراضی کارگری درون کارخانه، به بیرون از محیط کار انداخته شده‌اند.

رژیم متحجر اسلامی هنوز می‌تواند کارگران معدن آق‌دره را به شلاق ببندد، جعفر عظیم‌زاده، محمد جراحی، بهنام ابراهیم‌زاده و دیگر فعالین کارگری زندانی را دربند نگه دارد، محمود بهشتی لنگرودی معلم خوش‌آوازه را روانه بیمارستان و اکبر باغانی را تبعید نماید یا برای فعالین کارگری همچون رضا شهابی، مددی، داود رضوی، محمود صالحی و دیگران احکام سنگین صادر کند و سایر فعالین کارگری را تحت آزار و پیگرد قرار دهد، ولیکن قادر به جلوگیری از سیل خروشان اعتراضات کارگری نیست. آن زمان که جنبش کارگری ایران بتواند تشکلات مستقل خود را ایجاد کند، توازن قوا دگرگون خواهد شد و رژیم اسلامی قادر نخواهد شد که اینگونه وحشیانه به چنان شیوه‌های نفرت‌انگیز و ضد انسانی دست یازد. حل معضل تشکلات مستقل سراسری وظیفه‌ای است که کماکان بر دوش تمامی فعالین راستین و ایران واقعی کارگران سنگینی می‌کند.

ما، فعالان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، همدردی و پشتیبانی خود را از 17 کارگر رنج‌دیده معدن طلای آق‌دره اعلام داشته و با اظهار انزجار از این جنایت و وحشیگری سردمداران و مزدوران جمهوری اسلامی، صدور احکام ضد انسانی در مورد کارگران معدن آق‌دره را شدیداً محکوم می‌کنیم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

28 می 2016

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>